

منظور از تقریب مذاهب اسلامی چیست؟



گروه اندیشه [خیرگزاری تقریب](#)، موضوع وحدت امت اسلامی و تقریب مذاهب اسلامی، یکی از مسائل مهم جهان اسلام به شمار می آید. تاکید قرآن کریم به ضرورت وحدت مسلمانان «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳) و تاکید پیشوایان دین بر برادری مسلمانان بر کسی پوشیده نیست، از نظر تاریخی این امر به خوبی روشن است که پیشرفت مسلمانان در پرتو همدلی و وحدت آن ها و عقب ماندگی و شکست آنان در عرصه های گوناگونی سیاسی، علمی، اجتماعی، اقتصادی و ... نتیجه اختلافات و پراکندگی میان ایشان بوده است. این ناسازگاری میان فرقه ها و مذاهب اسلامی، خصوصاً میان دو مذهب بزرگ شیعه و اهل سنت در برهه هایی از تاریخ به حدی بوده است که تلقی آن دو مینی بر اینکه دو فرع اگر یک اصل اند، ممکن نبوده است و نظر بر این بوده است که در طول تاریخ در شبه قاره هند و پاکستان، عراق و ... میان این دو فرقه ی بزرگ اسلامی رخ داده است. البته در این میان در طول تاریخ اسلام، دانشمندان و عالمان دینی بزرگی وجود داشته اند که برای ایجاد صلح و مدارا میان مسلمانان و سازگاری مذاهب اسلامی کوشیده اند. عالمان و دانشمندان مسلمان در یک قرن اخیر نیز با در نظر داشتن ضرورت وحدت و همبستگی میان امت اسلامی برای ایجاد سازگاری بین فرق و مذاهب اسلامی تلاش فراوان کرده و پدیده نو ظهوری به نام «تقریب مذاهب اسلامی» پایه ریزی کرده اند. در این میان واکنش

ها و رویکردهای متفاوت هم در میان دانشمندان اهل سنت و هم در میان علمای شیعه نسبت به موضوع تقریب وجود داشته است. رویکرد اول رویکردی منفی بوده است چنانکه عده ای از علمای شیعه امر تقریب مذاهب اسلامی را در عمل و اینکه در جهان خارج به عینیت برسد، ناممکن و محال دانسته اند در مقابل، ممکن است عده ای دیگر برای عملی شده ایده ی تقریب مذاهب اسلامی با در پیش گرفتن رویکردی تفریطی بعضی از اصول اعتقادی قطعی و مسلم مذهبی و حوادث مستند تاریخی را انکار یا در آن تشکیک کنند. در عین حال رویکرد سوم و معتدل نیز نسبت به موضوع تقریب مذاهب اسلامی در میان اندیشمندان شیعی وجود داشته است. در این رویکرد با پذیرش اصل ضرورت وحدت امت اسلامی و تقریب و سازگاری میان مذاهب اسلامی، سعی و تلاش بر پایه ریزی مبنای اصولی و روش های کارآمد برای تقریب مذاهب اسلامی بوده است. تردیدی نیست که اختلاف های مذهبی و عقیدتی میان مسلمانان از مهمترین عللی است که به تفرقه و پراکندگی آنان انجامیده است. پرسش مهم این است که چگونه می توان این مشکل را حل کرد؟ آیا باید با ایجاد یک مذهب و یا از میان برداشتن اختلاف های مذهبی، سعی در حل آن کرد؟ پاسخ آن است که کوشش هایی از این دست تقریباً غیر ممکن است و گمان نمی کنیم کسی در پی چنین کوشش نامعقولی برآید، در این جا باید در جستجوی راه دیگری برای ایجاد راه حل عادلانه ای که همگان بپذیرند برآیم که مطمئناً راهی بهتر از تقریب به عنوان بهترین راه حل برای مشکلی که همگان را به ستوه آورده است، نخواهیم یافت.

واژه تقریب از باب تفعیل و از ماده «قرب» به معنای نزدیک و

نزدیکی اخذ شده است، چنانکه گفته اند: قرب اصل صحیح یدل علی

خلاف البعد؛ در جای دیگر آمده است: القرب لفیض البعد بنا بر این

قرب (نزدیکی) عکس بعد (دوری) است و تقارب (نزدیک شدن به

یکدیگر) ضد بتاعد (دوری جستن از یکدیگر است). تفاوت نزدیک شده

به همدیگر ویژه ی مکان نیست، چه در حدیث حضرت حجة (ع) آمده است:

زمان چنان به هم نزدیک می شود که یک سال همچون یک ماه می گردد.

و منظور زمان چنان خوش می گردد که گویا به درازا نمی کشد زیرا

ایام شادی و خوشی کوتاه است. و در حدیث قدسی آمده است: « هر کس

به من به اندازه یک وجب تقرب جوید، به اندازه یک زرع به او

نزدیک می شوم» که مراد از نزدیکی بنده به خدای متعال، قرب و نزدیکی با ذکر و کار خیر و نه قرب ذاتی و مکانی است زیرا قرب مکانی از صفات اجسام فانی است و خداوند متعال همچنان که در جای خود مسلم و ثابت گشته است، والاتر و مقدس تر از آن است. اصمعی می گوید: « اگر اسب در حال تاخت هر دو دستش را با هم بلند کند و با هم بر زمین بگذارد، این کار تقریب است.» و ابن زید می گوید: اگر محکم هر دو دستش را به زمین بکوبد به معنای تقریب است. و تقریب حسنی است که به برکت، شادابی، وحدت، جمع، نزدیکی و عدم دوری و فاصله گیری اشاره دارد.

۲- تقریب در اصطلاح: تقریب مذاهب اسلامی در اصطلاح کوشش جدی برای تحکیم روابط میان پیروان این مذاهب از راه درک اختلاف های موجود میان خود و زدودن پیامدهای منفی این اختلاف ها و نه اصل اختلاف هاست؛ به عبارت دیگر تقریب نزدیک کردن دیدگاه ها و هماهنگی مواضع مسلمانان است. در تفسیر صحیح تقریب در اصطلاح می توان گفت: تقریب مذاهب اسلامی عبارت است از اینکه تمام پیروان مذاهب اسلامی به خصوص عالمان دینی با حفظ مذاهب شان و بر اساس گفتگوهای علمی به جهت تبیین مشترکات دینی و رفع سوء برداشت های مذهبی، هر چه بیشتر زمینه اتحاد و انسجام امت اسلامی را فراهم سازد.

الف) مذهب در لغت: مذهب در لغت از ماده «ذهب» انشقاق یافته است و به معنای رفتن می باشد و همچنین مذهب یا مصدر میمی یا اسم زمان و یا اسم مکان است و هنگامی که در مباحث علمی به کار می رود و مقصود از آن انتخاب قول و یا شیوه ای خاص می باشد. ابن منظور در خصوص این واژه می گوید ذهب: الذهاب، السیر و المرور ذهب یذهب ذها با... و المذهب مصدر کالذهاب و المذهب المعتقد الذی یذهب الیه.

ب) مذهب در اصطلاح: در کتاب معجم الوسیط، مذهب را در اصطلاح چنین تعریف کرده است: المذهب الطریقه و المعتقد الذی یذهب الیه... و عند العلماء مجموعة من الآراء و النظریات العلمیه و الفلسفیه ترتبط بعضها ببعض ارتباطا يجعلها وحدتها منسقة؛ یعنی مذهب راه و طریق و باوری است که به سوی آن می رود و نزد علما و دانشمندان دینی مذهب مجموعه ی آراء و دیدگاه های علمی و فلسفی است که بعضی با بعض دیگر ارتباط دارند یک جور ارتباط که همه دیدگاه ها و آراء را در صف واحد قرار می دهد.

ب) هدف تقریب هدف کلی و اصلی از تقریب، اتحاد امت اسلامی بوده است که این امر محقق می شود، مسلمانان در اصول اسلام - آن اصولی که مسلمانان بدون آنکه به آن ها اعتقاد داشته باشند، مسلمان شناخته نمی شوند - متحد باشند. یعنی بدانند که در این اصول با یکدیگر اتحاد دارند و در سایر مسائل هم همچون کسی که قصدش

لجاجت با دیگران و غلبه بر آنان نیست، بنگرند و در این راه حق و حقیقت و معرفت صحیح را بجویند و در این صورت چنانکه توانستند با انصاف از راه دلیل و برهان در مسئله ای از مسائل مورد اختلاف به اتفاق نائل گردند، چه بهتر و گرنه هر کدام آنچه را به نظرش می رسد برای خود محفوظ داشته و دیگران را در نرسیدن به آن معذور داشته، نسبت به آنان خوش بین باشند، چه اینکه اختلاف در غیر اصول دین هیچ ضرری به ایمان نرسانده و اختلاف یافتگان در این مسائل را از دایره اسلام خارج نخواهد ساخت.

(ج) تفاوت تقریب و اتحاد این دو واژه در اصطلاح مصلحان مسلمان معنایی نزدیک به هم دارند و از هدف واحدی برخوردارند که همان ایجاد همبستگی و سازگاری میان مسلمانان است اما می توان این تفاوت را میان آن ها قائل شد که اصطلاح اتحاد امت اسلامی عام تر است و جنبه سیاسی - اجتماعی و علمی دارد ولی اصطلاح «تقریب مذاهب اسلامی» بیشتر دارای جنبه علمی و نظری است و در میان عالمان دینی مطرح است که تلاش می کنند بر اساس مناظرات و گفتگوهای علمی و رعایت روشهای علمی و اخلاقی، زمینه آشنایی بیشتر مذاهب اسلامی از اصول و فروع یکدیگر را آماده سازند و در رفع سوء تفاهات مذهبی بکوشند.

(د) اهمیت تقریب بی تردید اهمیت هر کاری در اهداف مترتب بر آن تجلی می یابد و هر گاه با توجه به آنچه در معنای تقریب گفته شد

روشن شده باشد که هدف نهایی تقریب تحقق وحدت میان مسلمانان به منزله یکی از امور بنیادین در اسلام است و ما در این زمینه عرض می‌کنیم که مسلمانان در صورتی که به دنبال خیزش و نجات از این حالت ضعف و عقب ماندگی هستند، راهی جز وحدت و کنار نهادن تفرقه و درگیری ندارند، ناگزیر باید گفت بدون شک هدف مترتب بر تقریب مذاهب اسلامی هدفی است که به حکم عقل و شرع، مسلم تلقی می‌شود.

در نتیجه اهمیت تقریب و ضرورت کاملاً روشن می‌شود و مسلمانان وظیفه دارند با جدیت تمام و با احساس مسئولیت بزرگی هم چون با عظمت و شکوه این هدف با آن برخورد داشته باشند. امروز نیاز به تقریب بیش از هر زمان دیگری دیگری احساس می‌شود زیرا اسلام درگیر کارزار تمدنی و سرنوشتی بسیار پراهمیتی است که فراهم آوردن همه گونه اسباب نیرومندی و پیروزی را ایجاب می‌کند. خدای متعال می‌فرماید: «و نرچه در توان دارید از نیر و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این (تدارکات) دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنان دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسید آن‌ها را و خدا آن را می‌شناسد - بترسانید» (سوره انفال، آیه ۶۰) از این روست که امت اسلامی وظیفه دارند نسبت به اهمیت و انگیزه‌های تقریب کاملاً آگاه باشد تا از دست آورده‌های آن برخوردار و از ثمرات آن بهره‌مند گردد، امت اسلامی نباید تقریب را به عنوان کوشش‌های بیهوده

تلقى کند و این امر از اهمیت بسزایی برخوردار است.

فصل دوم گفتار اول: تاریخ تقریب الف) هنگامی که پیامبر گرامی اسلام (ص) به ملکوت اعلی پیوست و دولت اسلامی در حال شکل گیری بود ، مسلمانان با مشکلاتی روبه رو شدند که نیازمند موضعگیری دست اندرکاران نسبت به آن ها بود در این جا بود که در غیاب پیامبر رهبر، اختلاف های میان مسلمانان مطرح شد و مصلحان صحابه را به کمر همت بستن در راستای از میان برداشتن آنها از هر راه ممکن واداشت. حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع) خود در این عمل پیش قدم بود و در این راستا تلاش های فراوان و غیر قابل انکاری به عمل آورد، آن حضرت با خردمندی و فرزانهگی خود به اصطلاح نا به سامانی های اوضاع و مفسده های احتمالی پرداخت و بدین لحاظ بنیانگذار حقیقی آینده تقریب و اولین کسی به شمار می رود که بذر تقریب را کاشته است. او تصویر بسیار زیبایی فراروی مسلمانان قرار داد و هر جا که اصلاح را به منزله ضرورتی برای بقای این دولت جوان دید، اقدام عملی ملموسی را در راستای تقریب انجام داد فرزندان آن حضرت یعنی ائمه معصومین(ع) نیز راه او را پی گرفتند. و الگوهای بسیار جالبی در این زمینه ارائه دادند و چنان مواضع چشمگیر و شگفت انگیزی گرفتند که ستایش و تحسین مسلمانان آن روز و امروز را برانگیخته است. درست است که در آن

زمان مفهوم تقریب با همین عنوان و به شکلی که امروزه متداول است، مطرح نبود ولی همه اقدامات و مواضع پیشوایان و علمای اهل بیت(ع) تجسم عینی همین مطلب به شمار می آید.

ب) علمای امامیه: از این جاست که می بینیم علمای امامیه همان راه پیشوایان خود را پیموده و می پیمایند، آن ها با هر آنچه در توان داشتند در راستای از میان برداشتن هر آنچه که به وحدت مسلمانان آسیب می رساند و تفرقه آنان را به دنبال داشت کوشیدند حتی کسانی از ایشان بودند که مرتباً در مجالس درس اهل سنت حضور می یافتند و از هر راهی برای رساندن دیدگاه های خود به دیگران - در فضای کاملاً آرام و منطقی و آن چنان که در محافل و مجالس درسی خود عمل می کردند - استفاده می کردند؛ در هر کدام از مراحل تاریخ اسلام علمای امامیه نقش به سزایی در عرصه تقریب مسلمانان ایفا نمودند و در هیچ جای تاریخ سخنی از کمترین مشارکت ایشان در نقش فتنه انگیزی میان فرزندان این امت یا تضعیف وحدت ایشان به میان نیامده است. ای بسا کسی این گونه مطرح کند که علمای شیعه این نقش را بر اساس اصل تقیه ای که پیشوایان دینی آنان بر آن انگشت گذارده اند، ایفا کرده و در حقیقت در مسئله ی تقریب جدی نبوده اند ولی این سخن عاری از صحت است و هیچ پیوندی با واقعیت ندارد زیرا هدف از تقیه پراکندن

جمع امت یا پاره کردند وحدت امت نیست بلکه بیش از هر چیز مفهوم وحدت گرایانه و در جوهر و حقیقت خود تقریبی است و در واقع به معنای دوستی به مخالفان در جهت حفظ وحدت و همبستگی مسلمانان است. ائمه هدی(ع) از شیعیان و پیروان خود می خواهند که تا آن جا که می توانند با جامعه اسلامی در آمیزند و در سازندگی و پیشرفت و توسعه آن مشارکت داشته باشند و حتی با آنان فرمان می دهند که پشت سر کسانی که با نظر آنان هم عقیده نیستند به نماز بایستند و حتی صف های اول جماعت را اشغال نمایند تا جایی که از ائمه(ع) روایت شده که فرمودند: هر کس در صف نخست پشت سر آنان به نماز بایستد مانند کسی است که در کنار پیامبر اکرم (ص) شمشیر زده است. (تهذیب الاحکام شیخ طوسی، الکافی، ج ۳) این امر دلیلی است بر رغبت پیشوایان و ائمه اهل بیت(ع) به تحکیم و تقویت پیوندهای میان مسلمانان و اینکه هیچ نوع اختلاف عقیدتی و فقهی نباید مانع از تحقق آن گردد زیرا مهم ترین مسئله در نظر ائمه وحدت مسلمانان و پیوستگی و همبستگی آنان است. علما و پیروان اهل بیت(ع) به رغم تبلیغات زهرآگینی که علیه مسلمانان و ظلم و ستمی که علیه این مذهب و علمای بزرگوار آن جریان دارد، بر همین خط سیر و با استناد به همین اصول حرکت کردند. سید جمال الدین و تلاش برای وحدت امت اسلامی سید جمال الدین به عنوان

اولین منادی وحدت امت اسلامی در یک صد سال اخیر و عصر جدید یاد شده است ایشان مسلمانان را برای پیشرفت و ترقی تشویق نموده او از افراط گرائی بر حذر می داشت. هدف اصلی سید جمال الدین از نهضت اصلاحی ، رهایی مسلمانان از استعمار غربی و استبداد داخلی بود ، وی راه نجات مسلمانان را در بیداری و بازگشت به اصول اسلامی و نیز وحدت امت اسلامی می دانست و در این زمینه بسیار تلاش می کرد. او برای آنکه این هدف تحقق یابد پی در پی به کشورهای آسیایی، اروپایی و آفریقایی مسافرت می کرد. سید جمال ابتدا حرکت های اصلاحی خود را در قلمرو کشورهای ایران ، افغانستان ، هندوستان ، مصر و امپراطوری عثمانی انجام داد اما هنگامی که دریافت بیشتر گرفتاری های جوامع اسلامی به سیاست های استعماری غرب به خصوص انگلستان مربوط است، به این نتیجه رسید که اصلاح امور داخلی کشورهای اسلامی بدون آزادی و رهایی از بند استعمار امکان ندارد از این رو جهت گیری مبارزاتی خود را به مبارزه علیه استعمار غرب تغییر داد و ندای وحدت امت اسلامی علیه استعمار غرب را سر داد . او به این منظور برای آگاهی دادن به مسلمانان مجله العروة الوثقی را انتشار داد. او در مقالات آگاهی بخش خود مسلمانان را به وحدت و همبستگی و مبارزه علیه استعمار غرب و استبداد داخلی کشورهای اسلامی با جمع شدن تمام مسلمانان

زیر لوای یک مذهب بود بلکه دعوت او مبتنی بر مشترکات دینی مسلمانان و پرهیز از قوم و ملیت‌گرایی و اتحاد سیاسی امت اسلامی بر ضد استعمار غرب بود چنانکه خود او در این زمینه می‌نویسد: من نمی‌گویم بر همه کشورهای اسلامی یک نفر حکومت کند زیرا این کار بس مشکل است ولی امیدوارم که حاکم و سلطان همه ملت‌های مسلمان، تنها قرآن باشد و عامل وحدت و یگانگی آنها دین آنها باشد. سید جمال الدین به گواهی تاریخ و شهادت بزرگان دین، یکی از پیشگامان حرکت اصلاحی و تقریبی در جوامع اسلامی در قرن اخیر بوده است.

۴- علامه اقبال لاهوری و وحدت امت اسلامی در سال‌های آغازین شهرت علامه اقبال و فعالیت‌های اصلاحی او یعنی در سال ۱۸۹۷ میلادی، سید جمال الدین اسدآبادی از دنیا رفت، پس به طور طبیعی مسئولیت ادامه نهضت روشنفکری اسلامی و بیدارگری مسلمانان و اصلاح جوامع اسلامی بر دوش افرادی مانند اقبال قرار گرفت. علامه اقبال با شناخت جامعی که از فرهنگ و تمدن فاقد ارزشهای انسانی و دارای منش استکباری غرب داشت، یکی از اهداف اصلی خود را مبارزه با فرهنگ و فلسفه استعماری غرب قرار داد، او بدین منظور از یکطرف با تبیین کاستی‌های فرهنگ و تمدن غربی، بر نکوهش آن پرداخت و از طرف دیگر بر توانمندی فرهنگ شرقی و اسلامی و بیداری جوامع

اسلامی با تکیه بر فرهنگ اصیل اسلامی تاکید داشت. از دیگر فعالیت های علامه اقبال زمینه سازی برای تاسیس کشورهای مستقل اسلامی پاکستان بود. وی که از نزدیک شاهد تضادهای قومی و دینی در کشور هندوستان خصوصا در میان مسلمانان و هندوها بود، راه حل این مسئله را در خود مختاری مسلمانان می دانست. از این رو در حدود هفده سال قبل از استقلال رسمی پاکستان، ایده ی خود مختاری مسلمانان شبه قاره هند را در سخنرانی های خود در مجامع رسمی و حزبی در سال ۱۹۳۰ طرح کرد؛ هندوستان قاره ای است که دسته های متعدد از نژادهای مختلف و مذهب متنوع در آن زندگی می کند، رفتار و کردار و اخلاق جمعیت ها تحت تاثیر نوع احساس واحد و مشترک نژادی قرار نگرفته است؛ حتی هندوها نیز یکدست و جمعیت موزون و هماهنگ نیستند. بنا بر این خواست مسلمانان برای ایجاد هند اسلامی در داخل این کشور امر مشروع و مجاز است. این پیش بینی و ایده ی اقبال بر اثر مبارزات ایشان و دیگر اصلاح طلبان مسلمان مثل محمد علی جناح در سال ۱۹۴۷ جامه عمل پوشید و مسلمانان شبه قاره هند به استقلال دست یافتند. یکی دیگر از دغدغه های اصلی علامه اقبال ایجاد وحدت و همبستگی و سازگاری در جوامع اسلامی بود، از این رو در بسیاری از اشعار خود مسلمانان را به وحدت بر محور دین و توحید دعوت می کرد و آنان را از

تفرقه و نفاق برحذر می داشت. او مانع اصلی وحدت امت اسلامی را حاکم بودن روح ناسیونالیستی و ملی گرائی افراطی در جوامع اسلامی می دانست و ملی گرایی افراطی را به این معنا که مردم هر کشور خود را برتر از دیگران بدانند، تمام منافع را برای خودشان بخواهند، به شدت محکوم می کرد. علامه اقبال چنین ملی گرائی را باعث تضعیف اخوت و اتحاد امت اسلامی و در نتیجه آسیب پذیری مسلمانان در مقابل استعمار غرب می دانست، به همین دلیل به حاکم شدن چنین فضائی در کشورهای اسلامی ناراضی بود و آن را خارج از چارچوب اسلام می دانست تا آن جا که می گوید: برای مسلمانان ملیت اسلامی لازم است نه ملیت خاکی.

۵- حضرت آیت ا□ بروجردی و تقریب

۱- تفکرات تقریبی:

الف) زمینه های فکری: آیت ا□ بروجردی برکتب و آراء فقهی علمای

اهل سنت تسلط عجیبی داشت و اهتمام بر این موضوع از همان آغاز

تحصیل و تحقیق در زندگی علمی او مشهود بود و به طور مستمر

دنبال می نمود. این اشراف و آگاهی نه تنها به فتاوی رهبران

مذاهب اربعه (شافعی، حنفی، مالکی، حنبلی) اختصاص داشت بلکه

شامل نظرات صحابه و سایر فقها و اندیشمندان اهل سنت مانند لیث

نوری، اوزاعی، ظاهری و ... هم می شد. گاهی این اطلاع به قدری

عمیق و قوی بود که وقتی بعضی از شخصیت های اهل سنت به حضور

ایشان می‌رسیدند و از نزدیک شاهد این حقیقت می‌شدند انگشت حیرت به دهان می‌گرفتند و به عجز و عدم اطلاع خود اذعان می‌کردند. او در اثر مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای که در این وادی داشت، به این نتیجه رسیده بود که با آگاهی از محتوای روایات و فتاوای اهل سنت در زمان امامان معصوم(ع) بهتر، راحت‌تر و دقیق‌تر می‌شود، محتوای روایات و منظور فرمایشات ائمه معصومین(ع) را دریافت و جمله معروض از ایشان نقل است که می‌فرمود: فقه شیعه در حاشیه فقه اهل سنت است. (زندگی آیت‌الله بروجردی صفحه ۸۴)

زیرا در طول تاریخ چون شیعیان حکومت نداشتند و اغلب حکومت در دست بنی عباس بود و بیشتر فتاوای اهل سنت در میان مردم رواج داشت بنابراین محدثان و اصحاب امامان(ع) نیز با توجه به فضای حاکم بر جامعه‌ی آن روز از ائمه سوال می‌کردند و امامان(ع) هم با توجه به همین معنا پاسخ می‌دادند به عبارت دیگر فقه شیعه ناظر بر فقه اهل سنت است چرا که جواب‌ها و فرمایش‌های امامان(ع) ناظر بر فتاوای فضای حاکم می‌باشد. از این رو آیت‌الله بروجردی تحقیق و مطالعه کتب و فتاوای اهل سنت را از مقدمات لازم برای فهم فقه و اجتهاد می‌دانست و خود ایشان در حد اعلیٰ به آن مسلح بود.

ب) مثبت اندیشی این تسلط و اشراف او را در جایگاهی رفیعی قرار

داده بد که نسبت به نظرات و فتاوی اهل سنت هرگز با دید منفی نگاه نمی کرد بلکه سعی می کرد که به ادله آنها دست یابد و موضوع و مسئله را درست بررسی و ریشه یابی کند مثلا در وجود ادای نماز در اول وقت که غالبا اهل سنت ملتزم به آن هستند و تاخیر نماز را از اول وقت جایز نمی دانند بدون عذر (البته برخی علمای شیعه مانند شیخ طوسی به همان قائلند، بر عکس شیعه تاخیر را جایز می دانند، می فرمود: فتاوی اهل سنت از این جا نشأت گرفته که پیامبر اکرم(ص) امام جماعت بود و امام جماعت باید در وقت معین حضور یابد و پیغمبر اکرم(ص) اول وقت را انتخاب کرده بود صحابه و تابعین همان عمل پیامبر را ملاک عمل خود قرار داده بودند که بعدا در مذاهب اهل سنت منعکس گردید در حالی که رسول گرامی اسلام(ص) گاهی در حال اختیار اول وقت را رعایت نمی کرد و از اهل بیت(ع) هم بدان تصریح کرده اند و همین امر ملاک فتوای معروف شیعه قرار گرفته است، استاد با این توجیه این پندار را که اهل سنت عمدا احکام را تغییر داده اند، نادرست می دانست و رد می کرد. (زندگی آیت ا□ بروجردی، ص ۸۸)

۲- عاشق وحدت اسلامی: با این گرایش فکری، ایشان از آغاز مرجعیت خویش به مسئله وحدت میان مذاهب اهتمام بیشتری از خود نشان داد و همواره پیگیر این مسئله مهم جهان اسلام بود. او اعتقاد داشت

که سامان بخشیدن به این موضوع از وظایف حیاتی هر عالم شیعی است و باید در تحقق آن تلاش کند. شهید مطهری درباره آیت ا□ بروجردی چنین می نویسد: یکی از مزایای معظم له توجه و علاقه ی فراوان بود که به مسئله وحدت اسلامی و حسن تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی داشت. این مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود، می دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف چه اندازه تاثیر داشته است و هم توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاستهای استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده را می کنند و بلکه آن را دامن می زنند و هم توجه داشت که بعد و دوری شیعه از سایر فرق سبب شده است که آن ها شیعه را نشناسند و درباره ی آن ها تصوراتی دور از حقیقت بنمایند، به این جهت بسیار علاقه مند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود و ...

۳- حمایت از دارالتقریب: در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی، مرکز

دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه به ابتکار و همت اندیشمند توانا مرخوم شیخ محمد تقی قمی و با همیاری علمای سرشناس جامع الازهر و برخی روحانیون شیعی تاسیس گردید. آیت ا□ بروجردی اگر از موسسین آن نبود اما از ابتدای فعالیت این مرکز به حمایت جدی آن برخواست و حتی از کمک مالی به آن دریغ نکرد، علاوه به مکاتبه

ی با شیخ وقت الازهر عبدالمجید سلیم و بعد از وی با شیخ محمود شلتوت رابطه جهان تشیع را با دنیای اسلام هر چه مستحکم تر ساخت و بسیاری از سوء تفاهمات و بدبینی ها را به دوستی و محبت تبدیل کرد.

۶. علامه محمد تقی قمی و علمای الازهر علامه قمی، پس از یک دهه تلاش و مذاکرات علمی با علمای الازهر و دانشمندان اهل سنت در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی، با کمک و همیاری علمای بزرگ الازهر مصر توانست «دارالتقریب مذاهب اسلامی» را در کشور مصر و در کنار جامع الازهر که پایگاه علمی اهل سنت به حساب می آمد، پایه گذاری کند و علما و اندیشمندان مصری که در پایه ریزی و تثبیت حرکت تقریبی مصر نقش داشتند عبارت بودند از: محمد مصطفی مراغی، شیخ مصطفی عبدالرزاق، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت. روشن است که مسئولیت اصلی در این حرکت تقریبی بر عهده علامه قمی بوده است چنانکه شیخ محمود شلتوت رئیس سابق الازهر در مورد نقش ایشان در حرکت تقریب مذاهب اسلامی گفته است: او نخستین کسی بود که دیگران را به سوی این دعوت فراخواند و به خاطر آن به این کشور «بلد الازهر الشریف» مهاجرت کرد و بذر تقریب را غرس نمود و از آغاز با آن و در کنار آن زیست. علامه قمی با نبوغ و اخلاص و دانش سرشار و عزم راسخ و شکیبایی ناتمام در برابر حوادث و کارشکنی

ها به پرورش نهال تقریب همت گماشت و به یاری پروردگار به چشم خود آن را به صورت درخت ریشه دار و برومند دید و پیوسته به اذن پروردگار میوه می داد و در سایه آن دانشمندان و متفکرین این کشور و سایر کشورها به سر می بردند.

۷. علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و وحدت اسلامی:
الف) جلوگیری از توهین به اهل سنت: در نجف و کربلا و سایر شهرها و روستاهای عراق، عادت زشتی رواج داشت که عوام الناس و نادان ها به آن خو گرفته بودند و آن اینکه در دهه اول ربیع الاول با جار و جنجال، طبل و دهل می زدند به گونه ای که صدای گوش خراش آن شبیه صدای توپ و تفنگ در کوچه و خیابان به گوش می رسید.

برای این عمل ناهنجار عمدتاً صحن شریف و قبور علما و صحن حضرت امام امیرالمومنین(ع) را انتخاب می کردند. در این ایام که آن را نهم ربیع و عید الزهرا می نامیدند، اراذل و اوباش گمان می کردند انجام هر منکری در اماکن مذکور جایز است به همین منظور هر گونه آزار و اذیت و اهانتی را نسبت به طلاب و محصلین و اهب قلم را روا میدانستند. این عادت زشت ده ها بلکه صدها سال ادامه داشت، زنان، مردان، کودکان بدان عمل می کردند و اهل علم و محصلین مدارس قدرت مخالفت را نداشتند. علامه کاشف الغطاء خود را در پیشگاه خدا مسئول دانست از آنجا که این بلا فراگیر شده بود و موضوع کاملاً اهمیت داشت لذا ایشان تصمیم گرفت با بعضی از بزرگان

و افراد خیر اندیش برای ممانعت از آن اقدامی موثر به عمل آورد، به همین منظور آن ها را دعوت کردند و چنین گفتند: دیر زمانی است این عادت زشت در بین اراذل و اوباش رخنه کرده بیم آن می رود که اگر شما هم به منبر بروید در همان حال باز آن ها طبل و دهل به راه اندازند و مانع سخنرانی شوند که در این صورت فاجعه عظیم تر است. کاشف الغطاء ادامه داد: من با توکل به خدای تعالی در این راه فداکاری می کنم، اگر موفق شوم خداوند را به شکرانه چنین منش که در نهاد من نهاده سپاس می گویم ولی در صورت عدم موفقیت مسئولیتی بر عهده نخواهم داشت. من اعلام می کنم عصر امروز نهم ربیع الاول در صحن شریف منبر خواهم رفت. در صحن شریف اراذل و اوباش همچنان سرگرم طبل و دهل کوفتن بودند به طوری که از شدت سر و صدا خانه ها و صحن شریف مثل زمینی که از صاعقه و رعد و برق به لرزه بیفتد، تکان می خوردند. ایشان به منبر رفتند و حدود دو ساعت خطابه خواندند، صحن شریف مملو از جمعیت بود و تقریباً از همه طبقات در میان آنان دیده می شد، کاشف الغطاء به بیان رسا همگان را از خطر این اعمال و حرمت آن آگاه کرد و به این ترتیب ریشه این عادت زشت را از بیخ و بن بر انداخت به طوری که هیچ اثری از آن باقی نماند.

(ب) سفرهای وحدت آفرین: علامه کاشف الغطاء همواره در اندیشه

گفتگو با دانشمندان اهل سنت و برقراری وحدت بین شیعه و سنی بود. ایشان در سال ۱۳۲۹ هجری قمری، عراق را به مقصد حج ترک کرد و پس از انجام اعمال حج با انشمندان سنی حجاز به گفتگو پرداخت و آنان را به وحدت فراخواند. وی سپس به دمشق رفت و پس از زیارت مرقد حضرت زینب(س) و حضرت رقیه(س) با علمای سنی سوریه نیز به گفت و گو پرداخت و درباره مشکلات جهان اسلام و لزوم وحدت مسلمانان تبادل نظر کردند. سپس به بیروت رفته با علما و مردم آن جا دیدار و گفتگو نمود. پس از مدتی به مصر رفته و دانشمندان سنی جامع الازهر از او دعوت کردند که درالازهر سخنرانی کند، او پذیرفت و برای شان سخن گفت. دانش پژوهان الازهر از او خواستند تا فقه و بلاغت را به آنان یاد بدهد، او قبول کرد. کاشف الغطاء در تمام سفرهای خود با علما و مردم دیدار می کرد و وحدت امت اسلامی را مطرح می نمود.

۸. علامه عبدالحسین شرف الدین عاملی و اندیشه های تقریبی یکی از کسانی که نام او پیوند عمیقی با موضوع تقریب مذاهب اسلامی داشته است، علامه شرف الدین است. به یقین اگر تلاش های این بزرگان در راه تقریب مذاهب اسلامی و هم چنین آگاهی بخشی به جوامع اسلامی و کشورهای مصر، سوریه، لبنان در خصوص معارف تشیع در زمان قبل از پایه ریزی رسمی دارالتقریب نبود، غرض نهال تقریب در مصر و

الازهر امکان نداشت و نمی توانست چنین ثمراتی داشته باشد. گویا به دلیل مذاکرات علمی شرف الدین با علمای اهل تسنن مصر بود که زمینه ی حرکت های تقریبی بعدی مهیا شد.

الف) نظریه علامه شرف الدین در موضوع اسلام و ایمان: علامه شرف الدین با درک شرائط جوامع اسلامی و آگاهی از اینکه تحت حاکمیت سیاست های استعماری و نفاق انگیز کشورهای غربی گرفتار بودند راه نجات مسلمانان را از سیاست های استعماری غرب و فقر فرهنگی و اقتصادی که در آن به سر می برند، در همکاری و تعاون میان مسلمانان می دانست. او بر همین اساس در گفتارها و تالیفات متعدد خود، در حاکم بودن فضای بد بینی در جوامع اسلامی و نبود همکاری و مساوات در میان مسلمانان سخت شکوه کرده و فریاد اعتراض سر داده است: افسوس و صد افسوس که برادران مسلمان که به یک مبداء و به یک دین باور دارند، حضورشان در پهنه حیات همیشه حضور دشمنانه بوده است، پیوسته با هم درگیری و نزاع داشته اند و مثل مردم بی فرهنگ درگیری را به اوج رسانده اند. پس ای مردم، ای مسلمانان، از تفرقه حذر کنید؛ ای مسلمانان از تشقت و اختلاف حذر کنید. بدین سان علامه شرف الدین به منظور تقریب مذاهب اسلامی در نخستین بار به موضوع اسلام و ایمان پرداخته است تا در پرتو تبیین درست آن و فراخواندن مسلمانان به اصول اعتقادی مشترک

زمینه ی پذیرش و همگرایی آنان را فراهم سازد.

ب) امامت و خلافت در اندیشه تقریبی علامه شرف الدین: موضوع امامت و خلافت اسلامی در میان دانشمندان تقریبی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است چنانکه علامه شرف الدین در این مورد فرموده است:

همان گونه موضوع خلافت و اهداف سیاسی امت اسلام را به دو فرقه شیعه و سنی تقسیم کرده است، اکنون نیز باید سیاست و مصالح سیاسی جهان اسلام آنان را در کنار هم قرار دهد. علامه شرف الدین علاوه بر تلاش برای اتحاد مسلمانان و تقریب مذاهب اسلامی، دغدغه دفاع از مکتب اهل بیت(ع) و معرض صحیح اصول و فروع این مکتب را به ویژه در موضوع خلافت و امامت داشته است. یکی از نویسندگان در این باره می گوید: علامه شرف الدین، نماد ترکیب توفیق مند دفاع از مکتب اهل بیت و پاسداری از وحدت و تقریب مذاهب اسلامی بود.

او اندیشه تقریب را به معنای واپس نشینی از جایگاه فکری و عقیدتی و یا نادیده انگاری برتری ها در نظر نگرفته و خود را در گرداب جماعت فرو ریخته نیافت اما با این همه از آنان نبود که در تاریخ زیست کند و مسئله اصلی را جنگ خلافت بداند ، اهل سنت را وارثان بلا فصل غاصبان جایگاه امامت بپندارد و با طعن و کینه فتوای قتال صادر کند! علامه شرف الدین در نقطه اعتدال زیست و نشان داد که آزاد اندیش خردگراست که از باورها و بنیادهای

معرفتی اش دفاع می کند.

۹. امام خمینی و وحدت امت اسلامی مواضع وحدت گرایانه امام خمینی

بسیار فراتر از آن است که بتوان ذکر کرد. ایشان در یکی از

سخنان مشهور خود می گویند: کسانی که میان سنی و شیعه تفرقه می

اندازند ، نه سنی هستند و نه شیعه. همچنین اشاره دارند: انقلاب

اسلامی ایران هیچ گونه اختلافی میان سنی و شیعه به خود ندید و

شایسته است که همگان با محبت و برادری در کنار هم زندگی کنند.

مکتب فکری، فقهی و سیاسی امام نیز بر همین اساس استوار بود و

نقش بسیار تعیین کننده و کلیدی امام خمینی در امر وحدت مطلب

بسیار مهمی است که شالوده و اساس انقلاب اسلامی است. حضرت امام

در تمام دوران مبارزات خود که به طور لا ینقطع چهل سال قبل از

پیروزی انقلاب آغاز شد، اهمیت وحدت امت اسلامی را به کرات مورد

تاکید قرار می داد. یکی از دلائل موفقیت درخشان امام در این راه

عنایت همه جانبه عمیق ایشان به فرهنگ قرآنی و اسلامی در زمینه

وحدت و تبیین این مقوله در جایگاه واقعی خود می باشد. در جهان

بینی سیاسی امام، این وحدت امر حیاتی و ضروری و بالاتر از آن

امر قداست آمیز، مذهبی و تکلیفی الهی بود. «رمز پیروزی شما»

اول ایمان ثابت و بعد وحدت کلمه بود.

۱۰. امام موسی صدر

الف)- وحدت مذاهب یکی از آرزوهای دیرین امام موسی صدر ، وحدت

امت اسلامی در سراسر جهان بود. او از آغاز دوران جوانی که در حوزه ی علمیه قم مشغول تحصیل بود به این مسئله می اندیشید و در محافل و حضور اساتید حوزه آن را پیوسته دنبال می کرد. در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی که کمتر از بیست سال سن داشت وقتی اطلاع می یابد که علامه امینی از نجف به تهران تشریف آورده و چند روزی در آن جا اقامت دارد ، فرصت را غنیمت می شمارد و با یکی از دوستان صمیمی خود به دیدار علامه امینی می شتابد. امام موسی صدر در محضر استاد ضمن طرح بحث علمی متعدد از ضرورت وحدت میان شیعه و سنی در مقابل دشمن مشترک سخن به میان می آورد و در تعریف این موضوع در مقابل استاد به دفاع از بانی خود در این خصوص می پردازد. گویا که خداوند این موضوع را در نهان و سرشت او برای امت اسلامی به ودیعه گذاشته است. بنا بر این وقتی امام موسی صدر در سال ۱۳۳۸ وارد لبنان شد در همان سال و در اولین فرصت شالوده ی روابط دوستی با علمای اهل سنت را در شهر صور پی ریزی کرد. از جمله با محی الدین حسن (مفتی اهل سنت) ارتباط مستمر برقرار کرد. امام موسی صدر می گفت: هیچ تناقض و اختلافی میان شیعه و سنی نیست ، اینها پیروان دو مذهب از یک دین واحدند ولی با این تفکر به فعالیت های وحدت آفرین خود در لبنان عمق بخشید. (ب) ارتباط با علمای مسیحی: امام موسی صدر علاوه بر وحدت بین

مذاهب اسلامی به یک نوع اتحاد و گفتگو بین ادیان الهی اعتقاد داشت بدین سبب از بدو ورود به لبنان تلاش خود را در جهت ارتباط و گفتگو با گروه های سیاسی و مذهبی مسیحیان این کشور آغاز کرد و روز به روز هم بر عمق و وسعت آن افزود در مدت کوتاهی با همه علما و شخصیت های مسیحی آشنا شد. امام موسی صدر به این مقدار اکتفا نکرد بلکه با اکثر مردم توده ی مسیحی ارتباط برقرار نمود.

ج) پرچمدار همزیستی: امام موسی صدر به عنوان یک روحانی و عالم شیعی در تحکیم روابط خود با مردم و شخصیت های سرشناس مسیحی به دیدار و گفتگو با آنان در جلسات رسمی بسنده نمی کرد بلکه در ایام عید و مناسبت های مختلف جهت دیدار به منازل آنان وارد می شد با شرکت در مجالس ترحیم و عزای آنها خود را در شادی و غم مسیحیان شریک می نمود تا جایی که مسیحیان در حد رهبران مسیحی خود به وی احترام و ارزش قائل بودند حتی در برخی رویدادها بیش از رهبران خود به وی اعتماد داشتند.

۱۱. تقریب و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای پس از امام راحل(ره)، بزرگترین منادی وحدت امت اسلامی و پرچمدار تقریب بین مذاهب اسلامی، مقام معظم رهبری هستند که بر تاکید بر وحدت و اتحاد اسلامی و تاسیس مجمع تقریب بین مذاهب، به آرزوهای علماء مجاهد و مصلحان مسلمان و به ویژه به آرمان های بلند امام

خمینی(ره) جامه عمل پوشیدند. معظم له در سال ۱۳۶۹ رسماً دستور تاسیس دارالتقریب را صادر فرمودند و طی حکمی حضرت آیت الله واعظ زاده به عنوان دبیر مجمع تقریب منصوب فرمودند.

۱۲. علامه محمد جواد مغنیه و تقریب مذاهب شیخ محمد جواد مغنیه تلاش گسترده ای برای وحدت امت اسلامی انجام داد. او در هر فرصتی با عالمان دینی اهل سنت مذاکره و نسبت به آنان محبت می کرد و راههای وحدت را بررسی می نمود. علامه مغنیه برای تقریب اولین بار در سال ۱۳۸۳ هجری قمری در مصر مسافرت نمود ، ایشان از دانشگاه الازهر و دارالکتب دیدن کرد و با شیخ الازهر در آن زمان که شیخ محمود شلتوت بود دیدار و پیرامون وحدت اسلامی و راه های آن بحث و تبادل نظر نمودند.

گفتار سوم: علمای اهل سنت شیخ محمود شلتوت و تقریب الف) وحدت از منظر شلتوت: بی شک شیخ محمود شلتوت از معدود عالمانی بود که به وحدت اسلامی اهتمامی ویژه داشت. وی وحدت اسلامی را این گونه تعریف می کند: برادری دینی بین قلوب مسلمین پیوندی برقرار می سازد که خانواده ی واحد می شوند، مسلمانان از خوشحالی مسلمانان خوشحال و از ناراحتی او ناراحت می شوند.

هنگامی که گمراه شد او را هدایت و هنگامی که اغفال شد او را ارشاد و هنگامی که ضعیف شد به او رحم می کنند و در یک کلمه هر گونه به خود می پسندد با او رفتار می کند.

ب) نقش شلتوت در دارالتقریب: تقریب مذاهب اسلامی در کشور مصر

شهر قاهره در سال ۱۳۶۰ هجری قمری با هدف تقریب بین مذاهب اسلامی تاسیس گردید. موسسین این مجموعه عبارتند از: علامه محمد تقی قمی، شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد مصطفی مراغی، مصطفی عبدالرزاق، عبدالمجید سلیم. این جماعت بعدها تعطیل گردید و در ایران جماعتی با همان هدف به نام مجمع تقریب مذاهب اسلامی تاسیس گردید، این جمعیت تا اکنون منشاء خدمات فراوان در زمینه تقریب و همبستگی مذاهب اسلامی بوده است. علامه شلتوت این تشکیلات را می ستاید و درباره آن می گوید: این نهضت (تشکیل دارالتقریب) که بر اساس اندیشه جمع آوری مذاهب مختلف اسلامی صورت گرفت طولی نکشید که از حقایق استوار و علمی در جهان و تاریخ فکر اسلامی به شمار آمد. همچنین بر آن روح اصلاح طلبی، محبت و برادری میان مسلمانان سایه افکند، بی تردید این خود به منظور تحقق بخشیدن به کلام خداوند بود، آن جا که فرمود: تنها افراد با ایمانند که با هم طرح برادری می ریزند، حال میان برادران خود صلح برقرار کنید و از خدا بترسید باشد که مورد رحمت او واقع شوید. شلتوت جو دارالتقریب را جو دوستی و برادری می داند.

(ج) ارتباط با علمای شیعه یکی از اقداماتی که شلتوت در راه وحدت مسلمانان انجام داد، ارتباط مستمر با علمای دیگر مذاهب به خصوص علمای شیعه است. او به علمای شیعه به خصوص حضرت آیت ا

بروجردی ارادت داشت، بارها او را مورد تکریم و احترام قرار داد. شیخ محمود شلتوت در سفری که به قدس شریف برای شرکت در کنفرانس اسلامی فلسطین داشت با دیگر علما نماز جماعت را به امامت آیت الله کاشف الغطاء خواند. وی این صحنه زیبا را که سنی و شیعه در صفی واحد ایستاده اند این گونه توصیف می کند: چه زیباست سیمای مسلمانان که نمایندگان آنان در کنفرانس اسلامی فلسطین در مسجدالاقصی جمع شوند و با یکی از بزرگان مجتهدین شیعه امامی استاد با فضیلت شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء نماز جماعت خواندند بی آنکه فرقی باشد میان کسی خود را سنی می نامند و یا کسی که خود را شیعه می خواند و به سوی یک قبله روی دارند. شیخ محمد عبده: تفکرات و نقش وی در تقریب مذاهب: ستاد شهید مطهری درباره شیخ محمد عبده می گوید: عبده همان دردهایی را که سید جمال تشخیص داده بود احساس می کرد، چیزی که عبده را از سید جمال متمایز می سازد توجه خاص عبده به بحران اندیشه مذهبی مسلمانان در اثر برخورد با تمدن غربی و مقتضیات جدید جهان است و مسلمانان در اثر رکود چند ساله، آمادگی درستی برای مقابله با این بحران نداشتند، به عبارت دیگر عبده پس از جدا شدن از سید جمال و بازگشت به مصر آنچه اندیشه او را آزار می داد و در جستجوی راه حلی بود که از طرفی در اثر جمود فکری و قشر مآبی

برخی علمای دینی، اسلام مانع پیشرفت و تکامل جامعه مصری تلقی نشود و از طرف دیگر با نام انطباق اسلام با علم، افراط کاری ها صورت نگیرد ، اصول و مقررات اسلامی با ذوق و سلیقه های روز تطبیق داده نشود و به شکلی دیگر عملا اسلام از صحنه خارج نگردد. عبده بر خلاف سید جمال آن نوع مسئولیتی را احساس می کرد که یک عالم دینی احساس می کند از این رو عبده مسائلی را طرح کرد که سید جمال مطرح نکرده است از قبیل فقه مقارن از مذهب چهارگانه ، دخالت دادن فلسفه حقوقی در اجتهاد، ایجاد نظام حقوقی جدید در فقه که پاسخگوی مسائل روز باشد. عبده که مانند سید جمال در پی وحدت دنیای اسلام بود، و با تعصب های فرقه ای میانه ی خوشی نداشت وقتی به قول خودش که نهج البلاغه را کشف کرد، درصدد شرح و نشر آن برآمد و در حاشیه و پاورقی همه آن کتاب حتی به خطبه هایی که علیه خلفا بود، درنگ نکرد، هم چنان که از ستایش بلیغ و بی مانند سخنان علی(ع) خودداری ننمود.

- وهابیت از دیدگاه شیخ عبده وهابیت یکی از پدیده هایی است که می توان گفت با وحدت مسلمین عملا مقابله می کند. عبده درباره وهابیت عقیده داشت که آنها در بعضی مسائل اسلامی غلو می کنند به طوری که برای سایر مسلمین قابل قبول نیست و نمی توانند عقاید آن را بپذیرند. شیخ محمد عبده و تقریب شیخ محمد عبده چنانکه در

سخنان شهید مطهری خواندیم، دارای تعصب فرقه ای نبود، او عقیده داشت مذاهب اسلامی و حتی فراتر از آن ادیان الهی باید با یکدیگر وحدت داشته و با هم همکاری های نزدیکی داشته باشند. هنگامی که در بیروت به سر می برد، کانونی را در آن شهر به نام «جمعیت التقرب بین الادیان و المذاهب» ایجاد کرد که عده ی زیادی از علما و ادبا در آن شرکت می کردند و مسیحیان نیز به این مجالس می آمدند. وی در این کانون درباره وحدت ادیان الهی سخن می گفت.